نَشَرَتْ إِحْدَى الصُّحُفِ الْفَرَنسيَّة عِنْدَ مَوْتِ أَخيـهِ الْآخَرِ عُنواناً خَطَأً:
منتشر کرد یکی از روزنامه‌های فرانسوی هنگام مرگ برادر دیگرش عنوان اشتباهی را:
«ماتَ ألفرد نوبل تاجِرُ الْمَوتِ الَّذي أَصْبَحَ غَنيّاً مِنْ خِلالِ إيجادِ طُرُقٍ لِـقَتْلِ الْمَزيدِ
مُرد آلفرد نوبل تاجر مرگی که ثروتمند شده بود از طریق ایجاد راه هایی برای کشتن بیشتر
مِنَ النّاسِ».
از مردم.



شَعَرَ نوبل بِالذَّنْبِ وَ بِـخَيْبَةِ الْأَمَلِ مِنْ هٰذَا الْعُنوانِ، وَ بَقِيَ حَزيناً وَ خافَ أَنْ يَذْكُرَهُ
نوبل احساس گناه و ناامیدی کرد از این عنوان و باقی ماند ناراحت و ترسید که یاد کنند او را
النّاسُ بِالسّوءِ بَعْدَ مَوتِـهِ. لِذٰلِكَ فَقَدْ بَنىٰ مُؤَسَّسَةً لِـمَنْحِ الْجَوائِزِ الشَّهيـرَةِ بِـاسْمِ
مردم به بدی بعد از مرگش. بنابراین ساخت موسسه‌ای برای دادن جوایز مشهور به اسم
«جائِزَةِ نوبل». وَ مَنَحَ ثَرْوَتَـهُ لِـشِراءِ الْجَوائِزِ الذَّهَبِيَّـةِ لِكَي يُصَحِّحَ خَطَأَهُ.
جایزه نوبل. و بخشید ثروتش را برای خرید جایزه‌های طلایی تا تصحیح کند اشتباهش را.
تُـمْنَحُ هٰذِهِ الْجائِزَةُ في كُلِّ سَنَةٍ إِلىٰ مَنْ يُفيدُ الْبَشَرِيَّـةَ في مَجالاتٍ حَدَّدَها، وَ
داده می‌شود این جایزه در هر سال به کسی که سود برساند به بشریت در زمینه‌هایی که مشخص کرده آنها را و
هِيَ مَجالاتُ السَّلامِ وَ الْكيمياءِ وَ الْفيزياءِ وَ الطِّبِّ وَ الْأَدَبِ و ... .
آن در زمینه‌های صلح و شیمی و فیزیک و پزشکی و ادبیات و ... است.

وَلٰكِنْ هَلْ تُعْطَى الْجَوائِزُ الْيَومَ لِمَنْ هوَ أَهْلٌ لِذٰلِكَ؟!
ولی آیا داده می‌شود جوایز امروز به کسی که او شایسته است برای آن؟!



لِـكُلِّ اخْتِـراعٍ عِلْمـيٍّ وَ ابْتِكارٍ فِـي التِّقْنِيَّةِ وَجْهانِ:
برای هر اختراع علمی و نوآوری در فناوری دو وجه است:
وَجْهٌ نافِعٌ، وَ وَجْهٌ مُضِرٌّ.
وجهی سودمند و وجهی زیان‌آور
وَ عَلَى الْإِنسانِ الْعاقِلِ أَنْ يَسْتَفيدَ مِنَ الْوَجْهِ النّافِعِ.
و بر انسان عاقل واجب است که استفاده کند از وجه سودمند.